

نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه بین تکانش‌گری و اعتیاد به عشق در دانشجویان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

ستوده فلاح^{۱*}، سید موسی کافی^۲، عباس ابوالقاسمی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: یکی از مهم‌ترین مسائل دوران دانشجویی، رابطه عاشقانه با جنس مخالف است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم رفتاری هیجان در رابطه تکانش‌گری و اعتیاد به عشق در دانشجویان انجام شد.

روش: روش این پژوهش، توصیفی-همبستگی و از نوع مدلسازی معادلات ساختاری بود. نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۳۶۰ دانشجوی کارشناسی دختر و پسر دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۳ بود که به صورت در دسترس از میان دانشجویان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مقیاس‌های اعتیاد به عشق پی‌بادی (۲۰۰۵)، تکانش‌گری بارت (۲۰۰۴)، تنظیم رفتاری هیجان کرایچ و گارنفسکی (۲۰۱۹) جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که مدل نهایی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است ($RMSEA = 0.05$ و $P > 0.001$). همه ضرایب مسیر به جز مسیر تنظیم هیجان سازگار به تکانش‌گری و تنظیم هیجان ناسازگار به اعتیاد به عشق معنادار بود ($P < 0.001$). نتایج نشان داد تنظیم ناسازگاران هیجان در رابطه‌ی تکانش‌گری و اعتیاد به عشق در دانشجویان نقش میانجی دارد ($P < 0.001$)، ولی اثر غیرمستقیم تنظیم تکانش‌گری با میانجی‌گری تنظیم سازگاران هیجان بر اعتیاد به عشق دانشجویان معنی‌دار نبود ($P > 0.05$).

نتیجه‌گیری: در این راستا می‌توان نتیجه گرفت تنظیم ناسازگار هیجان از طریق ایجاد چرخه‌های معیوب در روابط به عنوان یک متغیر میانجی عمل کرده و تکانش‌گری به واسطه‌ی تنظیم هیجان ناسازگار در اعتیاد به عشق دانشجویان نقش مهمی دارد.

کلمات کلیدی: اعتیاد به عشق، تکانش‌گری، تنظیم هیجان، دانشجویان.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

*نویسنده مسئول: sotoudehfallah1@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

۲. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۳. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.



The Mediating Role of Emotion Regulation in the Relationship between Impulsiveness with Student's Love Addiction

Received: 2025/01/06

Accepted: 2025/06/12

Sotoudeh Fallah^{1*}, Seyed mosa Kafi², Abbas Abolghasemi³

Original Article

Abstract

Introduction: Romantic relationships during student life are among the most significant interpersonal experiences. This study aimed to investigate the mediating role of emotion regulation in the relationship between impulsiveness and love addiction among university students.

Method: This descriptive-correlational study utilized structural equation modeling. The sample consisted of 360 undergraduate students from the University of Guilan during the 2023-2024 academic year, selected via convenience sampling. Data were collected using the Peabody Love Addiction Scale (2005), Barratt Impulsiveness Scale (2004), and Kraaij & Garnefski's Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (2019). Data analysis was conducted using Pearson's correlation coefficient and path analysis.

Results: The final model demonstrated good fit ($RMSEA = 0.05$, $p < 0.001$). All path coefficients were significant except for the paths from adaptive emotion regulation to impulsiveness and from maladaptive emotion regulation to love addiction ($p > 0.001$). Findings revealed that maladaptive emotion regulation mediates the relationship between impulsiveness and love addiction ($p < 0.001$). However, the indirect effect of impulsiveness on love addiction through adaptive emotion regulation was not significant ($p > 0.05$).

Conclusion: The study concludes that maladaptive emotion regulation serves as a mediating variable by reinforcing dysfunctional relational patterns, while impulsiveness significantly contributes to love addiction in students through maladaptive emotion regulation.

Keywords: Love Addiction, Impulsiveness, Emotion Regulation, Students.

1. Master in General Psychology, Department of Psychology, , faculty of literature and humanities University of Guilan, Rasht, Iran

* Corresponding Author: sotoudehfallah1@gmail.com

2. Professor, Department of Psychology, faculty of literature and humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

3. Professor, Department of Psychology, faculty of literature and humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

مقدمه

عشق انگیزه‌ای بزرگ‌تر از میل جنسی است و ریشه در کهن‌ترین نواحی مغز در کنار گرسنگی و تشنگی دارد. به این ترتیب، عشق در شکل‌گیری ماهیت انسان و هویت فردی شرکت می‌کند (برونی^۱، ۲۰۲۱). همچنین عشق بین دو جنس مخالف، تأثیر معناداری بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان به‌ویژه ابعاد روان‌شناختی دارد (فرگت، اکبری و خانزاده، ۱۴۰۰). در طی نوجوانی و جوانی، روابط عاشقانه با جنس مخالف نسبتاً شایع است. در این میان، از دوران بسیار حساسی که افراد در آن درگیر روابط عاطفی می‌شوند، دوران دانشجویی است. گاهی ایجاد برخی از نگرش‌ها، روابط عاطفی جوانان را به سمت عشق‌های ناسالم می‌کشاند و مشکلاتی پدید می‌آید که یکی از آن‌ها اعتیاد به عشق است (آتلام، آکیل گوین و یونچو^۲، ۲۰۲۳). در رویکرد روانکاوی، اعتیاد به عشق را با میل به فرافکنی ویژگی‌هایی که دوست داریم دیگری داشته باشد در نظر می‌گیرند (اسماعیلپور، ۲۰۲۴). اعتیاد به عشق به‌عنوان مرحله‌ای تعریف می‌شود که در آن میل به نیازی اجباری تبدیل می‌شود، رنج باعث لذت می‌شود و شخص باوجود آگاهی از پیامدهای نامطلوب (ازجمله تحقیر و شرم) در رابطه پافشاری می‌کند (مسحوری و پاتریاسیه^۳، ۲۰۲۳). وجه اشتراک تمام اعتیادها تلاش برای کنترل لذت و درد از طریق رهایی از سرزنش، بالا بردن تجربه خوشی و فرار از غم و درد است (فیشر، کو، آرون و براون^۴، ۲۰۱۶). مشکلات در این زمینه را می‌توان به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم کرد. مشکلات درونی زمانی رخ می‌دهد که میل به طرف مقابل، تمام جنبه‌های زندگی فرد (مدرسه، کار و زندگی خانوادگی) را مختل می‌کند. مشکلات بیرونی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد باوجود مشکلات عاطفی، روانی، اجتماعی، بین فردی، خانوادگی، مالی یا شغلی که ناشی از آن تماس مکرر یا مداوم است، به تماس خود ادامه می‌دهد. علاوه بر این، فرد در کنترل احساسات و عواطف خود مشکل دارد (ردکای و سیمونتی^۵، ۲۰۱۸). علائم و نشانه‌های ترک زمانی که شریک زندگی در دسترس نیست (از لحاظ فیزیکی یا از نظر عاطفی)، ممکن است بی‌خوابی، افزایش ضربان قلب، تنش عضلانی و دوره‌های متناوب بی‌حالی و فعالیت شدید باشد و زمان زیادی برای کنترل فعالیت‌های شریک زندگی صرف می‌شود و اثرات زیانباری برای فرد معتاد ازجمله مالی، سلامتی، رابطه‌ای و عاطفی دارد (مانساتو^۶ و همکاران، ۲۰۲۴)، و حتی می‌تواند منجر به میل به خودآزاری و پدید آمدن افکار خودکشی شود (مسحوری و پاتریاسیه، ۲۰۲۳). اعتیاد به روابط عاشقانه اغلب با تکانش‌گری همراه است، زیرا افرادی که کنترل کمی بر تکانه‌های خود دارند، ممکن است بدون تأمل کافی وارد روابط عاطفی ناپایدار شوند یا رفتارهای هیجانی و وابستگی شدید از خود نشان دهند (هوآنگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۴). بسیاری از متخصصان و روان‌شناسان علت بسیاری از مشکلات روانی در مراحل بعدی زندگی مانند تکانشی عمل کردن را کیفیت و چگونگی ارتباط در خانواده می‌دانند تکانش‌گری شامل رفتارهای مخاطره‌انگیز بوده و طیف گسترده‌ای از اعمالی است که با تفکر اندک همراه است (جیرفتی، نعمتی سوگلی تپه، هاشمی نصرت آباد و طالب لو، ۱۴۰۳). به شکل آنی و ناپخته رخ می‌دهد، فرد نمی‌تواند بر یک عمل خاص تمرکز کند، با برنامه‌ریزی نامناسب اتفاق افتاده و دارای خطر فراوانی است (برون، دوکانه ای فرد و فتاحی اندبیل، ۱۴۰۱). بر اساس رویکرد رفتاری، تکانش‌گری شامل دستاورد کوتاه‌مدت هرچند کم‌ارزش در برابر دستاوردهای بلندمدت ولی باارزش است. رویکرد اجتماعی، تکانش‌گری را به‌منزله یک رفتار آموخته‌شده و ناشی از محیط تلقی می‌کند. بر این اساس، فرد بر اساس تجربه‌های خود برای به دست آوردن پاداش، واکنش‌های هیجانی و شتاب‌زده نشان می‌دهد

1. Bruni

2. Atlam, Akyel-Göven, & Yüncü,

3. Mashuri & Patriasih.

4. Fisher, Xu, Aron & Brown

5. Redcay, A., & Simonetti

6. Mansueto

7. Huang

(هوآنگ و همکاران، ۲۰۲۴). بارت^۱ سه بعد تکانش را متمایز کرد: حرکتی (عمل بدون تفکر)، شناختی (تصمیم‌گیری سریع شناختی) و عدم برنامه‌ریزی (کاهش جهت‌گیری به‌سوی آینده) و خصوصیت تکانش‌گری در افراد باعث می‌شود تنش‌های درونی آن‌ها بسیار زیاد باشد اما از زندگی رضایت نخواهد داشت (کوستب^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). تکانش‌گری خطرانی مانند اعتیاد به روابط عاطفی جنسی و غیرجنسی را تشدید می‌کند، هم‌چنین افرادی که از اعتیاد به روابط عاطفی و تکانش‌گری رنج می‌برند، گزارش‌هایی از رفتارهای غیر متعارف‌تری را ارائه می‌کنند (ماگلیا، لانزافیم، کوآتروپانی و کاپونتو^۳، ۲۰۲۳). در نتیجه تکانش‌گری عاملی است که می‌تواند هم در هدایت فرد به سمت رفتارهای پرخطر تأثیرگذار باشد و هم به‌عنوان هسته مرکزی در ایجاد رفتارهای پرخطر و برنامه‌ریزی نشده و رفتارهای عاطفی اعتیادآور عمل نماید (آلیو و همکاران^۴، ۲۰۲۴).

تکانش‌گری، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های فردی، می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر فرایند تنظیم هیجان داشته باشد، زیرا ناتوانی در مهار واکنش‌های ناگهانی ممکن است توانایی فرد را در نظارت، ارزیابی و تعدیل هیجانات تحت تأثیر قرار دهد (رجبی و نیکپور، ۲۰۱۸). یافته‌های برخی مطالعات نشان‌دهنده تأثیر تنظیم هیجان در شکل‌گیری و تداوم روابط بین فردی از جمله روابط رمانتیک و واکنش افراد نسبت به گسستگی این نوع از روابط هستند (اورسولینی، آنتونلی، سالیاتوری و دیتوره^۵، ۲۰۲۲). در رویکرد شناختی رفتاری تنظیم هیجانات را می‌توان به‌عنوان نوعی فرایند فرض نمود که نشان می‌دهد اشخاص به چه صورت هیجانات را تجربه و نشان می‌دهند. فرایند تنظیم هیجانات نتیجه تعامل میان عوامل درونی و بیرونی است که وظیفه نظارت، ارزیابی و تعدیل واکنش‌های هیجانی را بر عهده دارند (تونا^۶، ۲۰۲۱). و ماهیتاً فرایندی را در برمی‌گیرد که از طریق آن افراد هیجان‌هایشان را به‌صورت هشیار یا ناهشیار به‌وسیله اصلاح تجارب یا تغییر موقعیت فراخواننده هیجان تنظیم می‌کنند (کوستا، باربریس، گریفیز، بندتو و اینگراسیا^۷، ۲۰۲۱). (سالانی^۸ و همکاران، ۲۰۲۲)، به عدم تنظیم هیجان و بی‌ثباتی احساسات در شکل‌گیری اعتیاد به عشق اشاره کردند. مطالعات با بررسی اثر دستگاه پاداش مغز را بر تجربه‌های مردم در روابط رمانتیک‌شان نشان دادند افرادی که دچار نقص عملکرد در سیستم پاداش مغزی‌شان باشند، با ایجاد هیجان‌های منفی ممکن است زمینه‌ی شکست عاطفی برایشان فراهم شود. البته، فرد با بهره‌مندی از راهبردهای سازش یافته تنظیم هیجان می‌تواند از بروز تجارب منفی تا حد زیادی پیشگیری کند که این نتیجه حاکی از ارتباط منفی هیجانات مثبت و اعتیاد به عشق است (اسماعیلپور، ۲۰۲۴؛ فیشر و همکاران، ۲۰۱۶؛ کوستا، ۲۰۲۱). هم‌چنین مطالعه کرمی‌نژاد، سودانی و مهرابی‌زاده^۹ (۱۳۹۵)، نشان داد استفاده بیشتر از راهبردهای تنظیم هیجان باعث کاهش شدت شکست عاطفی می‌شود. بنابراین، نظم‌جویی شناختی هیجان یک عنصر مهم برای روابط بین فردی موفق است (طالاری، میکائیلی، آقاجانی و حبیبی، ۱۴۰۳).

درمجموع اعتیاد به عشق با تکانش‌گری مرتبط است و این عامل باعث شکل‌گیری و تشدید اعتیاد به عشق می‌شود و تأثیر مهمی بر آن دارد. تنظیم هیجان هم در شکل‌گیری و تداوم آن نقش دارد. با این حال، جزئیات در مورد چگونگی ارتباط این متغیرها با اعتیاد به عشق چندان روشن نیست؛ بنابراین، با توجه به اینکه دانشجویان نیروی انسانی بالقوه کشور برای آینده جامعه هستند، نتیجه درگیری در روابط ناسالم و اعتیاد به آن می‌تواند مانعی مهم در راه پیشرفت این قشر آینده‌ساز باشد. هم‌چنین خلاء پژوهشی در این زمینه به‌خصوص در کشور ما محرزتر است و شمار پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه بسیار محدود است.

1. Barratt

2. Kustepe

3. Maglia, Lanzafame, Quattropiani & Caponnetto

4. Olave

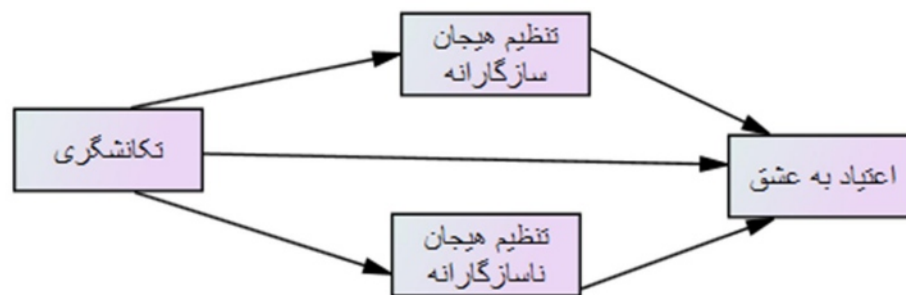
5. Orsolini, Antonelli, Salvatori, & Dèttore

6. Tuna

7. Costa, Barberis, Griffiths, Benedetto & Ingrassia

8. Salani

بنابراین یکی از ضرورت‌های انجام این پژوهش، توجه به اعتیاد به عشق و کمبود پژوهش‌های مرتبط با این زمینه است. با توجه به آنچه گفته شد، هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان سازگار و ناسازگار در میان تکانش‌گری و اعتیاد به عشق دانشجویان است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر، با طرح همبستگی از طریق مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه گیلان بود (حدود ۱۲۰۰۰ نفر). از این جامعه آماری بر اساس توصیه کلاین (۲۰۱۵)، در تحلیل مسیر مبنی بر «نسبت ۲۰ نمونه به ازای وجود هر پارامتر (و نه متغیر) در مدل» استفاده شد، نمونه‌ای به حجم ۳۶۴ نفر انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش در دسترس بود. پس از انجام هماهنگی‌های لازم با دانشگاه و حضور در کلاس‌ها، پس از توضیح اهداف پژوهش برای شرکت‌کنندگان، پرسش‌نامه بین آن‌ها توزیع و پس از تکمیل، جمع‌آوری گردید. با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، ۴۰۴ پرسش‌نامه به آنان تحویل و پس از بازبینی و حذف پرسش‌نامه‌های ناقص و یا پرسش‌نامه‌هایی که الگوی پاسخ‌دهی تصادفی و داده‌ی پرت داشتند، درنهایت ۳۶۰ پرسش‌نامه که شرایط لازم برای تحلیل آماری را داشتند، جدا شد و مورد تحلیل قرار گرفت. ملاک ورود به پژوهش شامل رضایت و تمایل شرکت‌کنندگان به انجام پژوهش، مجرد بودن، مقطع تحصیلی کارشناسی و بازه‌ی سنی ۱۸ تا ۲۵ سال بود. ملاک خروج هم شامل انصراف از ادامه همکاری، عدم تکمیل پرسش‌نامه و عدم سابقه اختلال روانی بود. روش جمع‌آوری داده‌ها به این صورت بود که پرسش‌نامه‌ها به صورت مداد کاغذی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا با دقت به تمامی سؤالات پاسخ دهند. همچنین در این پژوهش ملاحظات اخلاقی رعایت گردید، بدین معنی که کلیه شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش آگاه بودند و اطلاعات احراز هویت از آن‌ها ثبت نشد، تکمیل پرسش‌نامه‌ها داوطلبانه بود و امکان انصراف هر زمان از تکمیل وجود داشت. پژوهش حاضر دارای کد اخلاق (IR.GUILAN.REC.1403.092) از کمیته‌ی زیست پزشکی دانشگاه گیلان است. درنهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی مرکزی نظیر میانگین و پراکندگی نظیر انحراف معیار و آزمون‌های آماری همبستگی و تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزارهای spss26 و Amos24 استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس اعتیاد به عشق پی‌بادی (PLAQ):^۱ این مقیاس توسط پی‌بادی (۲۰۰۵) برای آزمایش اعتیاد به عشق طراحی شد. این مقیاس ۳۲ گویه دارد که هر گویه به صورت سه‌درجه‌ای لیکرتی (اکثر اوقات=۲، بعضی اوقات=۱ و تقریباً هیچ‌گاه=۰) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه‌ی نمره آن هم از ۰ تا ۶۴ است. از ۰ تا ۱۶ نشانگر اعتیاد به عشق کم، و در نمرات بعد از آن درجه اعتیاد به عشق بیشتر است. هنجاریابی نسخه اصلی این پرسش‌نامه توسط قائمی و همکاران انجام شده است (قائمی، ۱۳۸۸). پایایی این مقیاس را با آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و قابلیت اعتماد محتوایی آن با توجه به نظر متخصصان ۰/۸۷ است. آلفای محاسبه شده در این مقیاس هم ۰/۹۳ است. در پژوهش نریمان، جوشقانی و فرهادی (۱۳۹۹)، آلفای محاسبه شده ۰/۹۲ گزارش شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد که حاکی از پایایی مطلوب است.

ب) مقیاس تکانش‌گری بارت و همکاران (BIS-II):^۲ مقیاس تکانش‌گری توسط بارت، استانفورد، کنت و فلتوس در سال ۲۰۰۴ ساخته شده است. این مقیاس دارای ۳۰ پرسش است که سه عامل تکانش‌گری شناختی^۳، تکانش‌گری حرکتی^۴ و بی‌برنامگی^۵ را ارزیابی می‌کند، پرسش‌ها به صورت چهارگزینه‌ای از (به ندرت: نمره ۱ تا همیشه: نمره ۴) تدوین شده‌اند و پایین‌ترین و بالاترین نمره به ترتیب ۳۰ و ۱۲۰ است. کسب نمرات بالاتر نشان‌دهنده تکانش‌گری بیشتر فرد است. بارت و همکاران پایایی درونی برای نمره کل آن از ۰/۷۶ تا ۰/۸۳ را گزارش کردند (بارت و همکاران، ۲۰۰۴). ضرایب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد (نعمت الهی، محمدی و زرشناس، ۱۴۰۳). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس‌ها ۰/۸۵ به دست آمد که نتایج حاکی از پایایی مطلوب ابزار پژوهش است.

ج) مقیاس تنظیم رفتاری هیجان کرایچ و گارنفسکی (BERQ):^۶ این مقیاس ۲۰ سؤالی توسط کرایچ و گارنفسکی در سال ۲۰۱۹ طراحی شده است (علیزاده مقدم و همکاران، ۲۰۲۱). پرسش‌نامه تنظیم رفتاری هیجان از ۵ خرده مقیاس تشکیل شده است و پاسخ‌ها از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) متغیر است. نمره کل پرسش‌نامه از ۲۰ تا ۱۰۰ متغیر است. خرده مقیاس‌های این مقیاس عبارت‌اند از: اقدام به کارهای دیگر^۷، کناره‌گیری^۸، مواجهه فعالانه^۹، جستجوی حمایت اجتماعی^{۱۰} و نادیده گرفتن^{۱۱}. همچنین این پرسش‌نامه از دو خرده مقیاس کلی تنظیم هیجان ناسازگارانه شامل (حواس‌پرتی و کناره‌گیری) و تنظیم هیجان سازگارانه (مواجهه فعالانه، جستجوی حمایت اجتماعی و نادیده گرفتن) تشکیل شده است. مقیاس تنظیم رفتاری هیجان در پژوهش کرایچ و گارنفسکی ۲۰۱۹ بر روی نمونه ۴۵۷ نفر اجرا شد و ضریب آلفای در خرده مقیاس‌ها در بازه ۰/۸۶ تا ۰/۹۳ به دست آمد. ضریب پایایی خرده مقیاس‌ها در پژوهش حاضر بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ بود. روایی نیز برای هریک از خرده مقیاس‌های اقدام به کارهای دیگر، کناره‌گیری، رویارویی فعال، جستجوی حمایت اجتماعی و نادیده گرفتن ۰/۸۳ و ۰/۷۸، ۰/۸۷، ۰/۸۲ به ترتیب گزارش شده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS26 و AMOS24 و MACRO2008 تجزیه و تحلیل شد.

1. Peabody Love Addiction Inventory
2. Barratt Impulsiveness Scale
3. Cognitive impulsivity
4. Motor impulsivity
5. Non-planning
6. Behavioral Emotion Regulation Questionnaire
7. Seeking Distraction
8. Withdrawal
9. Actively Approaching
10. Seeking Social Support
11. Ignoring

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت شناختی برای کلیه شرکت‌کنندگان در این پژوهش عبارت بود از ۳۶۰ شرکت‌کننده مرد و زن: ۱۴۲ (۳۹/۴ درصد) مرد و تعداد ۲۱۸ (۶۰/۶ درصد) زن. دامنه سنی شرکت‌کنندگان ۱۸ تا ۲۵ سال است. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۰/۲۶۸ و انحراف استاندارد آن ۱/۵ است. تعداد ۱۴۴ نفر (۴۰ درصد) شاغل و تعداد ۲۱۶ نفر (۶۰ درصد) غیر شاغل هستند. از ۳۶۰ نفر شرکت‌کننده در پژوهش، تعداد ۱۱۵ نفر (۳۱/۹ درصد) علوم انسانی، تعداد ۵۶ نفر (۱۵/۶ درصد) پرستاری، تعداد ۸۱ نفر (۲۲/۵ درصد) علوم پایه، تعداد ۶۳ نفر (۱۷/۵ درصد) هنر و معماری، تعداد ۴۵ نفر (۱۲/۵ درصد) کشاورزی بودند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و همین‌طور پیش‌فرض نرمال بودن توزیع متغیرها با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی موردبررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۱، ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص‌های کجی و کشیدگی در دامنه +۲ و -۲ قرار دارند که حاکی از توزیع نرمال متغیرهای پژوهش است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
اعتیاد به عشق	۲۳/۴۹	۸/۸۵	۰/۰۷	۰/۱۰
تنظیم سازگاران هیجان	۲۳	۴۰/۷۱	-۰/۰۶	۰/۲۲
تنظیم ناسازگاران هیجان	۹	۲۳/۳۰	۰/۱۶	-۰/۱۳
تکانش‌گری:	۶۶/۰۴	۹/۶۵	۰/۲۰	-۰/۲۳
تکانش‌گری شناختی	۱۹/۴۳	۳/۶۱	۰/۱۲	۰/۰۰۵
تکانش‌گری حرکتی	۲۱/۶۲	۴/۲۳	۰/۵۷	۱/۰۴
عدم برنامه‌ریزی	۲۴/۹۸	۴/۱۹	۰/۱۲	-۰/۶۰

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

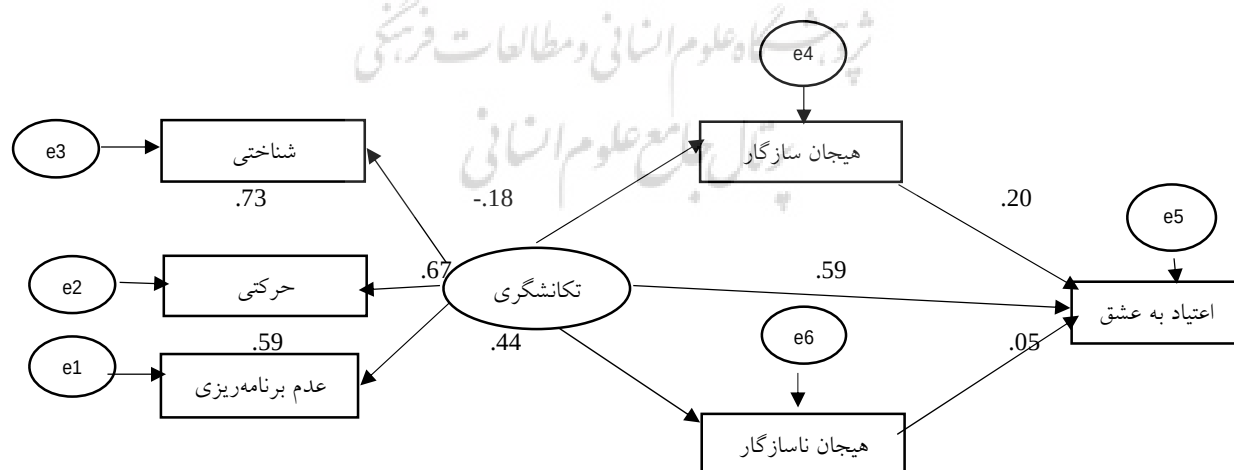
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۰/۴۹۱**	۰/۴۶۶**	**۰/۳۵۴	۰/۳۶۰**	۰/۲۷۸**	-۰/۰۹۱*
۲	۱	۰/۷۷۸**	۰/۸۲۲**	۰/۷۷۸**	۰/۳۵۲**	-۰/۰۷*
۳		۱	۰/۵۰۷**	۰/۳۹۶**	۰/۳۱۴**	-۰/۳۴**
۴			۱	۰/۴۲۸**	۰/۳۱۵**	۰/۰۵**
۵				۱	۰/۲۱۵**	-۰/۱۵۰**
۶					۱	-۰/۱۴۶**
۷						۱

چنان‌که مشاهده می‌شود، جدول ۲، شامل رابطه و همبستگی کلیه متغیرهای پژوهش است. طبق جدول تنظیم هیجان سازگاران رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری ($p < ۰/۰۱$) با دیگر متغیرها دارد و تنظیم هیجان ناسازگاران رابطه مثبت و معنی‌داری با دیگر متغیرها دارد.

به‌منظور بررسی رابطهٔ معناداری اعتیاد به عشق و تکانش‌گری با میانجی‌گری تنظیم هیجان در دانشجویان، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. برای بررسی نرمال بودن تک متغیری طبق نظر کلاین (۲۰۲۳)، مقدار مطلق کجی کمتر از ۳ و مقدار مطلق کشیدگی کمتر از ۱۰، نشان از عدم وجود مشکل در نرمالیتی تک متغیرها است. مقدار مطلق کجی هیچ‌یک از متغیرها بیشتر از ۳ نیست؛ همچنین، مقدار مطلق کشیدگی هیچ‌یک از متغیرها بیشتر از ۱۰ نیست؛ بنابراین می‌توان گفت انجام این تحلیل از نظر نرمالیتی تک متغیرها مشکلی ندارد. همچنین مقدار ضریب تحمل متغیر پیش‌بین بزرگ‌تر از ۰/۱ و مقدار عامل تورم و واریانس آن کوچک‌تر از ۱۰ بود. بنابراین می‌توان گفت مفروضه هم خطی بودن در بین داده‌های پژوهش برقرار بود. جهت بررسی داده‌های پرت چند متغیری از شاخص ماهالانوبیس d^2 استفاده کردیم. سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ حاکی از دورافتاده بودن داده‌های پرت موردنظر است. بر اساس این شاخص، ۴ داده‌ی پرت از تحلیل حذف شدند. برای بررسی نرمال بودن چندمتغیره از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا^۱ استفاده می‌شود. برای اینکه توزیع چندمتغیری داده‌ها نرمال باشد، باید ضریب مردیا کمتر از عدد حاصل از فرمول $p(p+2)$ باشد که در این فرمول p مساوی است با تعداد متغیرهای مشاهده شده است. تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر پژوهش ۳ هست؛ بنابراین عدد حاصل از فرمول ۱۵ هست. ضریب مردیا نیز در پژوهش حاضر ۲/۳۵ به دست آمد که از این عدد کمتر هست؛ بنابراین توزیع چندمتغیری داده‌ها نرمال است. بنابراین می‌توان از روش تحلیل مسیر در این پژوهش استفاده کرد.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌ها	نام شاخص	اختصار	مقدار مطلوب	مدل اولیه	مدل نهایی
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش خی دو	Chi-square	کمتر از ۳	۱۳	۲/۲
	نیکویی برازش	GFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۱	۰/۹۸
شاخص‌های برازش تطبیقی	برازش هنجار شده	NFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۷۳	۰/۹۶
	برازش تطبیقی	CFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۷۴	۰/۹۷
	برازش نسبی	RFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۴۹	۰/۹۱
	برازش فزاینده	IFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۷۴	۰/۹۸
شاخص برازش مقتصد	برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰/۳۹	۰/۶
	ریشه میانگین مربعات خطا	RMSEA	کوچک‌تر از ۰/۰۵	۰/۱۸	۰/۰۵



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

1. Mardia's normalized multivariate kurtosis value

جدول ۴. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای مستقیم مدل نهایی

شرح	ضریب	ضریب استاندارد (β)	خطای معیار (S. E)	نسبت بحرانی (C.R)	معناداری (P)
سازگار و تکانش‌گری	-۰/۴۲	۰/۱۷۹	۰/۱۶۱	۲/۶۱	$p > ۰/۰۵$
ناسازگار و تکانش‌گری	۰/۹۸	۰/۴۴۱	۰/۱۵۱	۶/۵۰	$P < ۰/۰۰۱$
برنامه‌ریزی و تکانش‌گری	۰/۹۹	۰/۵۹۳	۰/۱۴۷	۵/۵۰	$P < ۰/۰۰۱$
حرکتی و تکانش‌گری	۱/۱۳	۰/۶۶۹	۰/۱۲۷	۸/۹۳	$P < ۰/۰۰۱$
شناختی و تکانش‌گری	۱/۰۶	۰/۷۲۹	۰/۱۱۷	۹/۱۳	$p < ۰/۰۰۱$
سازگار و اعتیاد به عشق	۰/۳۱۱	۰/۲۰۳	۰/۰۷۶	۴/۰۷	$p < ۰/۰۰۱$
ناسازگار و اعتیاد به عشق	۰/۰۷	۰/۰۴۸	۰/۰۸۹	۰/۸۸۵	$p > ۰/۰۵$
تکانش‌گری و اعتیاد به عشق	۲/۱	۰/۵۸۸	۰/۲۸۹	۷/۳۸	$p < ۰/۰۰۱$

پس از بررسی و تأیید الگو برای آزمون معناداری ضرایب از دو شاخص جزئی نسبت بحرانی CR و P استفاده شده است. بر اساس سطح معنی‌داری (۰/۰۵)، مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ یا کمتر از -۱/۹۶ باشد و مقدار پارامتر غیرازاین در الگو مهم شمرده نمی‌شود. همچنین مقادیر کوچک‌تر از (۰/۰۵) برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای ضرایب مسیر با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد است. بر اساس شاخص‌های ذکرشده، همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، همه ضرایب مسیر به‌جز مسیر تنظیم هیجان سازگار به تکانش‌گری و تنظیم هیجان ناسازگار به اعتیاد به عشق در سطح کمتر از (۰/۰۱) معنادار بود.

جدول ۵. ضرایب استاندارد مسیرهای غیرمستقیم (بوت استروپ)

مسیر	معنی‌داری	فاصله اطمینان کران پایین کران بالا	نتیجه‌گیری
تکانش‌گری و تنظیم هیجان ناسازگار و اعتیاد به عشق	$p < ۰/۰۰۱$	۰/۰۰۵۲	میانجی‌گری
تکانش‌گری و تنظیم هیجان سازگار و اعتیاد به عشق	$P < ۰/۰۰۱$	-۰/۰۲	عدم میانجی‌گری

برای تعیین اثر غیرمستقیم از روش بوت استروپ با ۵۰۰۰ فرایند نمونه‌گیری و سطح اطمینان ۰/۹۵، استفاده گردید. برای تعیین معنی‌داری تکانش‌گری بر اعتیاد به عشق از طریق نقش میانجی تنظیم هیجان از روش بوت استروپ در برنامه ماکرو آزمون پریچر و هیز (۲۰۰۸) استفاده شد. بر اساس جدول ۴ نتایج بوت استروپ، چنانچه حد بالا و پایین هم علامت باشند و صفر مابین این دو حد قرار نگیرد، در آن صورت مسیر علی غیرمستقیم معنی‌دار خواهد بود. طبق نتایج به‌دست‌آمده، نقش میانجی تنظیم ناسازگاران هیجان معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش، بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان سازگار و ناسازگار در رابطه‌ی تکانش‌گری و اعتیاد به عشق در دانشجویان بود. یافته‌های این پژوهش در راستای نتیجه مطالعات دیگر (برای مثال ماگلیا و همکاران، ۲۰۲۳؛ خجسته فرد و همکاران، ۱۴۰۰؛ عزیززاده مقدم، محمدی، نظیری و امینی‌منش، ۲۰۲۳؛ رجبی و نیک پور، ۲۰۱۷) قرار دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، تکانش‌گری با اعتیاد به عشق مرتبط است. درگیر شدن در رفتارهای جنسی پرخطر، تکانش‌گری و رفتارهای احساساتی با درگیر شدن در رفتارهای جنسی و عاطفی اجباری و غیرلذت‌جویانه مرتبط است (کرائوس^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). افرادی که از اعتیاد به روابط عاطفی رنج می‌برند، سطح بالاتری از تکانش‌گری را نشان می‌دهند. از این‌رو، تکانش‌گری را می‌توان در یک تعامل دوطرفه با رفتارهای اعتیادی در رابطه، سبک زندگی پرخطر جنسی و ابتلا به بیماری‌های عفونی دانست (ماگلیا و همکاران، ۲۰۲۳). به گفته‌ی مانساتو و همکاران (۲۰۲۴)، تکانش‌گری با رفتارهای خود آسیب‌رسان و جهت‌گیری‌های جنسی همراه است. تکانش‌گری هسته اصلی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند بی‌بندوباری جنسی، سوء مصرف مواد، قماربازی بیمارگونه، بزهکاری و... است (ری و جونز^۲، ۲۰۲۳). در یک تبیین کلی می‌توان بیان کرد فرد تکانش‌گر، بدون فکر و اندیشه و عاقبت‌اندیشی عمل می‌کند و بیش از اینکه به نتایج بلندمدت یک عمل و میزان تأثیر آن بر زندگی خود و اطرافیان فکر کند، تنها به لذت‌های زودگذر توجه می‌کند و بی‌تابی و عدم تحمل در برابر امور و عدم واکنش مناسب به حل مشکلات، ریسک‌پذیری ناسالم را در فرد و رابطه‌اش افزایش می‌دهد (هوآنگ و همکاران، ۲۰۲۴).

همچنین یافته‌ها نشان داد تنظیم هیجان ناسازگار با اعتیاد به عشق مرتبط است که همسو با مطالعات سالانی و همکاران (۲۰۲۲)، و سانچز و جان^۳ (۲۰۱۹)، است. اسماعیلپور (۲۰۲۴)، بیان کرد که دستگاه‌های تنظیم شناختی و رفتاری هیجان در روابط عاشقانه رمانتیک و طرد عاطفی دخیل‌اند و تنظیم هیجان ناسازگار می‌تواند به‌عنوان عاملی مستعد کننده در فرد برای بروز رفتارهای تکانشی عمل کند. فیشر (۲۰۱۶)، نیز اظهار داشت که فرد معتاد به عشق به دنبال اتحاد هیجانی با معشوق است. همچنین مطالعات (زو، ژیلینگ، هونگ‌ون سونگ، ژانگ و ژانگ^۴، ۲۰۱۶)، نشان داده است که تغییرات عملکردی در سیستم دوپامین مغز افراد معتاد به عشق با کژ کاری و اختلال در عملکرد شبکه پاداش و شبکه تنظیم هیجان مرتبط است. سانچز و جان (۲۰۱۹)، گزارش کرده‌اند که قسمت نوکلئوس آکامبوس مغز افرادی که دچار طرد عشقی شده بودند، فعالیت بیش‌ازحدی دارد. بررسی سالانی و همکارانش (۲۰۲۲)، در مورد بی‌نظمی عاطفی در اعتیاد به عشق نشان داد که «اعتیاد به عشق با مشکلات شدید در مقابله با احساسات منفی مانند افسردگی، تنهایی، گناه، شرم و اضطراب مشخص می‌شود». چراکه دانشجویانی که سطح بالایی از تکانش‌گری دارند، ممکن است به‌طور ناگهانی وارد روابط عاطفی شوند و احساسات خود را به‌صورت شدید و بدون تفکر ابراز کنند، در نتیجه به‌جای ارتباطی سالم، درگیر وابستگی‌های عاطفی شدید می‌شوند. در تبیین این مورد می‌توان بیان کرد افرادی که ثبات هیجانی ندارند، در شناسایی، تمییز و یکپارچه کردن هیجانات خود و دیگران مشکل دارند، در نتیجه به‌جای رفتار یا مقابله‌ی مؤثر، به طیف وسیعی از رفتارهای ناامیدانه و نادرست متوسل می‌شوند. همچنین در احتمالی دیگر می‌توان اشاره کرد سن جوانی مخاطره‌آمیزترین دوره برای درگیری در روابط است. چراکه در این سن به دلیل میل بیشتری برای ماندن در رابطه وجود دارد که همین باعث تداوم هیجانات و احساسات شدید است (عزیززاده مقدم و همکاران، ۲۰۲۳).

1. Kraus
2. Ray & Jones
3. Sanches & John
4. Zou, Zhiling, Hongwen Song, Zhang, Zhang

با توجه به نتایج پژوهش، تأثیر تکانش‌گری بر اعتیاد به عشق از مسیر غیرمستقیم تنظیم هیجان اعمال می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های علیزاده مقدم و همکاران (۲۰۲۳) و رجبی و نیکپور (۲۰۱۸)، همسو است. به عبارت دیگر تنظیم هیجان ناسازگار از طریق افزایش تکانش‌گری منجر به افزایش اعتیاد به عشق می‌شود. در نتیجه دانشجویانی که تکانش‌گری بالایی دارند و هم‌زمان قادر به تنظیم هیجانات خود نیستند، بیشتر در معرض ابتلا به اعتیاد به عشق قرار می‌گیرند (اروسولینی و همکاران، ۲۰۲۲). این افراد ممکن است به سرعت به رابطه‌ای که به تازگی وارد آن شده‌اند وابسته شوند و به دلیل عدم توانایی در کنترل هیجانات خود، به رفتارهای افراطی، مانند تلاش بی‌وقفه برای جلب توجه یا حسادت شدید، روی آورند. در این حالت، نبود تنظیم هیجان به طور مستقیم باعث می‌شود فرد نتواند از تجربه‌های شدید عاطفی فاصله بگیرد و به جای بهره‌گیری از روابط پایدار، به احساسات ناپایدار و شدید وابسته شود (علیزاده مقدم و همکاران، ۲۰۲۳). طبق نظریه سندرم نقص پاداش مغز^۱ رفتارهای تکانشی هرچند تا اندازه‌ای با زیان یا آسیب‌های احتمالی همراه هستند، ولی امکان رسیدن به گونه‌ای از پاداش‌ها را نیز فراهم می‌آورند. این افراد، گرایش دارند تا شدیدترین نوع هیجانات را دنبال کنند، این کار باعث می‌شود تا آن‌ها بتوانند به احساس مداوم و پایداری از پاداش و لذت برسند. این موضوع در افرادی که شریک عاطفی دارند، دارای اهمیت مهمی است؛ زیرا فرد نمی‌تواند از رفتارهای تکانه‌ای مانند ارتباط با جنس مخالف جلوگیری کند (فیشر و همکاران، ۲۰۱۶).

عدم معناداری نقش میانجی تنظیم هیجان سازگار در پژوهش حاضر، ناهم‌سو با مطالعات سالانی و همکاران (۲۰۲۲)؛ کوستا و همکاران (۲۰۲۱)؛ فیشر و همکاران (۲۰۱۶) و اروسولینی و همکاران (۲۰۲۲) است. در پژوهش (طالاری، میکائیلی، آقاجانی و حبیبی، ۱۴۰۳)، سازگاری هیجانی نقش مهمی در تداوم و شکل‌گیری روابط بین فردی و عاطفی پایدار ایفا می‌کرد. همچنین در پژوهش فرگت و همکاران (۱۴۰۰)، به نقش تنظیم هیجان در پیشگیری از شکست عاطفی اشاره شد. عدم معناداری نقش میانجی تنظیم هیجان سازگارانه در ارتباط بین تکانش‌گری و اعتیاد به عشق در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تنظیم هیجان سازگار به تنهایی نمی‌تواند به عنوان یک عامل واسطه‌ای تأثیرگذار عمل کند. ممکن است عوامل دیگری مانند حمایت اجتماعی یا ویژگی‌های شخصیتی تأثیرگذار باشند. این ممکن است به دلیل تأثیر مستقیم و قوی تکانش‌گری بر اعتیاد به عشق باشد یا به علت وجود سایر عوامل میانجی یا تعدیل‌کننده‌ای که در این رابطه نقش دارند. همچنین، محدودیت‌های مرتبط با ابزارهای سنجش، روش‌شناسی پژوهش، یا ویژگی‌های جمعیت نمونه نیز می‌توانند بر نتایج تأثیرگذار باشند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای درک دقیق‌تر این ارتباط، باید متغیرهای دیگر و زمینه‌های محیطی یا فردی بررسی شوند. در پژوهش‌های آینده می‌توان از متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر دیگری نیز استفاده کرد و حجم نمونه را افزایش داد و به جمعیت آماری تنوع بخشید و فرایندهای شناختی و هیجانی را دقیق‌تر تحلیل نمود.

از آنجایی که جامعه آماری مورد پژوهش محدود به دانشگاه گیلان بود، تعمیم نتایج به گروه‌های دیگر باید با دقت و احتیاط بیشتری انجام شود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده از اقشار دیگر جامعه و شهرهای دیگر هم استفاده گردد تا نقش این متغیرها در همه گروه‌ها مشخص باشد و تعمیم نتایج با دقت بیشتری صورت گیرد و تفاوت‌های احتمالی میان مناطق مختلف مشخص گردد. این پژوهش بر اساس داده‌های خود گزارشی انجام شد که نتایج پژوهش می‌تواند تحت تأثیر گزارش بر اساس مطلوبیت اجتماعی قرار بگیرد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی علاوه بر پرسش‌نامه، از سایر ابزارها چون مصاحبه بالینی برای تشخیص بهتر استفاده شود. همچنین با توجه به نقش تشدیدکننده تنظیم هیجانات

1. Anhedonia reward sensitivity

ناسازگار، دانشگاه‌ها می‌توانند جلسات مشاوره و گروه‌درمانی را برای دانشجویانی که تنظیم ناسازگارانه هیجان شدید دارند فراهم کند. این جلسات می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا الگوهای تنظیم‌های ناسازگار هیجان را شناسایی کنند و آن را تغییر دهند. علی‌رغم محدودیت‌های ذکرشده پژوهش حاضر یکی از اولین بررسی‌ها در زمینه رابطه بین اعتیاد به عشق و تکانش‌گری در ایران است.

تقدیر و تشکر

از تمامی مشارکت‌کنندگان که در اجرای این پژوهش ما را یاری نمودند، صمیمانه قدردانی می‌شود. هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- ازاده فرغت، بهمن اکبری، عباسعلی حسین خانزاده، (۱۴۰۰). الگوی ساختاری اثرات افسردگی، شکست عاطفی، و تجربه خشونت با رفتارهای خودزنی در زنان: نقش میانجی مهارت‌های اجتماعی، کنترل هیجان و نارضایتی از بدن، نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۱(۴۲)، ۱۲۹-۱۵۵. magiran.com/p2319966
- زهرا نریمان، اصغر آقایی جوشقانی، هادی فرهادی، (۱۳۹۹). مقایسه اعتیاد به عشق و سازش یافتگی زناشویی در متاهلین با و بدون روابط فرازناشویی، فصلنامه علوم روان‌شناختی، ۱۹(۸۹)، ۶۳۹-۶۴۶. magiran.com/p2136475
- زینب برون، فریده دوکانه ای فرد، اعظم فتاحی اندبیل، (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش مهارت‌های ذهن آگاهی بر تکانش‌گری و خودآگاهی هیجانی نوجوانان با گرایش به اعتیاد، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۵(۳)، ۹۲۱-۹۳۳. magiran.com/p2544586
- زینب کرمی نژاد، منصور سودانی، مهناز مهرابی زاده هنرمند، (۱۳۹۵). اثربخشی رویکرد هیجان مدار بر تنظیم شناختی هیجان دانشجویان دختر دچار شکست عاطفی، نشریه یافته، ۱۸(۴)، ۷۹-۸۶. magiran.com/p1666349
- سهیل ابوسعیدی جیرفتی، فاطمه نعمتی سوگلی تپه، تورج هاشمی نصرت آباد، مریم طالب لو، (۱۴۰۳). رابطه احساس شرم با استفاده‌های آسیب‌زا از اینترنت؛ نقش میانجی تکانش‌گری و تنظیم هیجان ناسازگار، نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۴(۵۴)، ۱۱۳-۱۲۵. magiran.com/p2766297
- فاطمه نعمت‌اللهی، آفرین محمدی، لادن زرشناس، (۱۴۰۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی ابزار رفتارهای تکانشی پرسش‌نامه بارت بر روی پرسنل پیش بیمارستانی، نشریه طب کار، ۱۶(۳)، ۶۸-۷۹. magiran.com/p2785689
- محمد باهر طالاری، نیلوفر میکائیلی، سیف‌الله آقاجانی، نرگس حبیبی، (۱۴۰۳). پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی بر اساس تحریف شناختی، بخشودگی بین فردی و راهبردهای تنظیم هیجان‌ها در افراد متاهل، نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۴(۵۳)، ۱-۱۶. magiran.com/p2742383
- Alizadeh Moghadam, A., Mohammadi, M., Naziri, G., & Amini Manesh, S. (2023). Prediction of love trauma syndrome based on early maladaptive schemas with the mediating role of emotion regulation. *Political Sociology of Iran*, 5(11 doi:10.30510/psi.2022.338314.3369
- Atlam, D., Akyel-Göven, B., & Yüncü, Z. (2023). Addiction in romantic relationships scale development: validity and reliability study. *Addicta: The Turkish Journal on Addictions*, 10(1), 52-58.
- Bruni, D. (2021). Lost in love: Why is it so painful when romance goes wrong? In V. Cardella & A. Gangemi (Eds.), *In Psychopathology and philosophy of mind* (pp. 253-262). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003009856-15>

- Costa, S., Barberis, N., Griffiths, M. D., Benedetto, L., & Ingrassia, M. (2021). The love addiction inventory: Preliminary findings of the development process and psychometric characteristics. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 19, 651-668.
- Esmaeilpour, R. (2024). *Women's Perceptions of How Sexual Trauma Impacts Intimate Bonds in Recovery* (Master's thesis, California State University, Long Beach).
- Fisher, H. E., Xu, X., Aron, A., & Brown, L. L. (2016). Intense, passionate, romantic love: a natural addiction? How the fields that investigate romance and substance abuse can inform each other. *Frontiers in psychology*, 687. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.00687>
- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual differences*, 30(8), 1311-1327. [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(00\)00113-6](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(00)00113-6)
- Huang, Y., Luan, S., Wu, B., Li, Y., Wu, J., Chen, W., & Hertwig, R. (2024). Impulsivity is a stable, measurable, and predictive psychological trait. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 121(24), e2321758121. <https://doi.org/10.1073/pnas.2321758121>
- KaramKline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- Kraus, S. W., Krueger, R. B., Briken, P., First, M. B., Stein, D. J., Kaplan, M. S., Voon, V., Abdo, C. H. N., Grant, J. E., Atalla, E., & Reed, G. M. (2018). Compulsive sexual behaviour disorder in the ICD-11. *World Psychiatry*, 17(1), 109–110. <https://doi.org/10.1002/wps.20499>
- Kustepe, A., Kalenderoglu, A., Celik, M., Kaya-Bozkurt, E., Orum, M. H., & Uguz, S. (2019). Evaluation of impulsivity and complex attention functions of subjects with substance use: Sample from Adiyaman province. *Med Science*, 8(1), 67-71. doi:10.5455/medscience.2018.07.8917
- Maglia, M. G., Lanzafame, I., Quattropani, M. C., & Caponnetto, P. (2023). Love addiction-current diagnostic and therapeutic paradigms in clinical psychology. *Health psychology research*, 11, 70218.
- Mansueto, G., Palmieri, S., Caselli, G., & Spada, M. M. (2024). Impulsiveness in Substance Users: Metacognitive Beliefs and Repetitive Negative Thinking as Potential Maintenance Factors. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 31(6), e70014. <https://doi.org/10.1002/cpp.70014>
- Mashuri, M. F., & Patriasih, A. I. (2023). Bucin (Budak Cinta): The Other Side of Love Addiction in Romantic Relationships in Indonesia. *Journal An-Nafs: Kajian Penelitian Psikologi*, 8(1), 1-19
- Olave, L., Iruarizaga, I., Herrero, M., Macía, P., Momeñe, J., Macía, L., ... & Estevez, A. (2024). Exercise addiction and intimate partner violence: the role of impulsivity, self-esteem, and emotional dependence. *Behavioral Sciences*, 14(5), 420.
- Orsolini, S., Antonelli, P., Salvatori, G., & Dèttore, D. (2022). Suicidal ideation in a group of Italian love addicts: qualitative research. *Sexual Health & Compulsivity*, 29(1-2), 56-67.
- Peabody, S. (2005). *Addiction to love: Overcoming obsession and dependency in relationships*. Celestial Arts.
- Rajabi, S., & Nikpoor, N. (2018). Comparison of the effectiveness of the transactional analysis training and emotion regulation on the improvement of love trauma syndrome: Dealing with the problems caused by the separation and love break up. *Archives of Psychiatry and Psychotherapy*, 20(4), 17-28.
- Ray, J. V., & Jones, S. (2023). Aging out of crime and personality development: A review of the research examining the role of impulsiveness on offending in middle and late adulthood. *Psychology Research and Behavior Management*, 1587-1596.
- Redcay, A., & Simonetti, C. (2018). Criteria for love and relationship addiction: Distinguishing love addiction from other substance and behavioral addictions. *Sexual Addiction & Compulsivity*, 25(1), 80-95. <https://doi.org/10.1080/10720162.2017.1403984>
- Salani, A., Antonelli, P., Salvatori, G., Gritti, M. C., Bisciglia, R., Mascherini, F., & Dèttore, D. (2022). Love Addiction, Emotional Dysregulation and Attachment Bonds: A Quantitative Study of 344 Females. *Sexual Health & Compulsivity*, 29(3-4), 127-148. <https://doi.org/10.1080/26929953.2022.2110546>
- Sanches, M., & John, V. P. (2019). Treatment of love addiction: Current status and perspectives. *The European Journal of Psychiatry*, 33(1), 38-44. <https://doi.org/10.1016/j.ejpsy.2018.07.002>

- Tuna, E. (2021). Psychometric properties of the Turkish version of the Behavioral Emotion Regulation Questionnaire (BERQ). *The Journal of general psychology*, 148(4), 414-430. <https://doi.org/10.1080/00221309.2020.1752137>
- Zou, Zhiling, Hongwen Song, Yuting Zhang, and Xiaochu Zhang. 2016. "Romantic Love vs. Drug Addiction May Inspire a New Treatment for Addiction." *Frontiers in Psychology* 7(SEP). <http://journal.frontiersin.org/Article/10.3389/fpsyg.2016.01436/abstract>

